



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 15 Issue: 39
Summer 2024

Pages: 55-81

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/JIIPH.2024.58183.2461

Received: 2023/08/29 Received in revised form: 2023/12/26 Accepted: 2024/01/15 Published: 2024/06/30

The History of the Conceptual Evolution of the Legislative Nation in the Constitutional Assembly

Iraj Souri¹| Alireza Mollaei Tavani²

Abstract

At the threshold of the new era, the concept of Iran's subjects underwent a significant break and thematic transformation. In the pre-constitutional era, especially during the reign of Naser al-Din Shah, the understanding of the modern age and the promotion of modern awareness created a generational fault. The proponents of the new models emphasized themes such as the establishment of the House of Justice and the National Council to create conditions that would allow for the defense of public rights. These developments, influenced by European modernity, paved the way for a transition to a new concept of nationhood in Iran. Therefore, the question is: how was the semantic transformation of the concept of the law-making nation established despite the existence of the Shari'i tradition in matters of legislation? The writers aim to demonstrate the reproduction and incorporation of the new concept of the nation in Iran through the method of conceptual history. The emergence of the concept of the 'legislator' nation, as articulated by the lawyers of the Constituent Assembly/First Assembly, represented a new experience in which, according to the constitutional amendment, the nation of Iran and its legislators became the source of legitimacy for the new system. Themes such as the sovereignty of the will of the nation, the need for accountability of government officials, the limitation of the monarchy, and commitment to the nation were institutionalized in practice.

Keywords: Legislative nation, constituent assembly, new awareness, modernity, tradition.

1. Ph.D. Candidate in the Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran
(Corresponding Author)

soori94@yahoo.com

2. Professor, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran

amollaiy@ahcs.ir

شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۰۲

دوره: ۱۵، شماره: ۳۹

تابستان ۱۴۰۳

صفحات: ۵۵-۸۱

تاریخ نامه ایران بعد از اسلام



DOI: 10.22034/JIIPH.2024.58183.2461

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰

تاریخ تحول مفهومی ملت قانون گذار در مجلس مؤسس مشروطه

ایرج سوری^۱ | علیرضا ملایی توانی^۲

چکیده

در آستانه دوران جدید، مفهوم رعایای ایران دچار گسست و تحول مضمونی شد. در دوران پیش از مشروطیت، به ویژه در دوره ناصرالدین شاه با ادراک زمان نوین و ترویج آگاهی مدرن، نوعی گسل نسلی ایجاد شد و مبلغان الگوهای نوین، بر مضامینی مانند تأسیس عدالت‌خانه، دارالشورای ملی برای فراهم شدن شرایط امکان دفاع از حقوق عامه تأکید نمودند. این تحولات که تحت تأثیر مدرنیته اروپایی ایجاد شده بود، زمینه‌های گذار به مفهومی نوین از ملت را در ایران فراهم کرد. لذا پرسش این است که با وجود نظام سنت شرعی در امر قانون‌گذاری، تحول معنایی مفهوم ملت قانون‌گذار چگونه تثبیت شد؟ نگارندگان با روش تاریخ مفهومی می‌کوشند شیوه‌زایی و انضمام یافتن مفهوم جدید ملت را در ایران نشان دهند. زایش مفهوم ملت «قانون‌گذار»، در گفتار و کلامی مجلس مؤسس/ مجلس اول، تجربه جدیدی بود که مطابق مضمون قانون اساسی، ملت ایران و قانون‌گذاران آن، منشأ مشروعیت نظام جدید بودند و مضامینی از قبیل حاکمیت اراده ملت، لزوم پاسخ‌گویی مجریان دولتی، سلطنت محدود و تعهد در قبال ملت، در عمل نهادینه شد.

کلیدواژه‌ها: ملت قانون‌گذار، مجلس مؤسس، آگاهی جدید، تجدد، سنت.

soori94@yahoo.com
amollaiy@ahcs.ir

۱. دانشجوی دکتری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران، ایران (نویسنده مسئول)
۲. استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران، ایران

مقدمه

از ابتدای دوره قاجار به‌ویژه پس از جنگ‌های ایران و روسیه، دو نیروی قدرتمند، یعنی سلطنت قاجار و علمای دینی در راس جامعه ایران و رعایای کشور قرار داشتند. مفهوم رعیت را هر دو نیرو تابع قواعد سنتی عرف و مذهب به کار می‌بردند. رعیت در معنای اجتماع فرمان‌بردار بود. اما از این زمان به بعد، به تدریج بسترهای تغییر مفهومی آن فراهم شد. در دوره سلطنت فتحعلی‌شاه، پس از دو دوره جنگ با روسیه، مسئله حفظ تمامیت ارضی و دفاع از کیان ایران، مفهوم رعیت اهمیت ویژه‌ای یافت. از آن پس، بر اثر برخورد بیشتر ایرانیان با تجدد اروپایی و آشنایی تدریجی با الگوهای نوین و شکل‌گیری سلطنت مستقله قاجاریه، حقوق عامه مورد توجه قرار گرفت که خود سرآغاز بحران بزرگ در تاریخ ایران بود. این روند در دوره سلطنت ناصرالدین شاه اوج گرفت. چنان‌که ابتدا «شورای دولت» و سپس مجلس «مصلحت‌خانه» تشکیل شد. «مجلس کبری یا همایونی دربار» و تصویب قانون دربار اعظم و غیره، اولین تجربه تاریخی قانون‌گذاری جدید در ایران است. البته این مجلس‌ها حکومتی و متشکل از اعیان و صاحب‌منصبان دولتی بودند و هیچ وکیلی از جانب رعیت در آن مشارکت نداشت.

با این‌همه، نهادهای مزبور نشان می‌داد که توجه به مصالحه عامه ادراک شده و در حال ایجاد گسست یا تغییرات ساختاری در بافتار سیاسی-اجتماعی از درون است که قتل ناصرالدین‌شاه یکی از نشانه‌های آن بود. در دوره مظفرالدین‌شاه، همگام با کاهش سرکوب حکومتی، مصلحان اجتماعی با اهتمام بیشتری لزوم اصلاحات سیاسی-اجتماعی را ادراک نمودند. این امر البته در گفتار سیاسی روشنفکران و منتقدان حکومت، در چارچوب حکومت قانون و اصل اراده «ملت»، به‌عنوان مبنایی برای تغییر بیان شده بود. با توجه به نظام حاکم پادشاهی در ایران، نظریه‌های مشروطه سلطنتی که در آن «ملت» را مقدم بر دولت می‌شمرد و اصول حقوقی آن را از سیاست تفکیک می‌کرد و همه آن‌ها را تابع رای و نظر منتخبین ملت/ مجلس قانون‌گذار می‌نمود، الگویی ایده‌آل تشخیص داده شد. این معنای جدید برای «ملت» ایران و نسبت آن با سیاست، محل مناقشه بین گروه‌های محافظه‌کار و تحول‌گرا قرار گرفت. پس از بحث و جدل‌های نظری بین گروه‌های اصلی قدرت سیاسی-

اجتماعی در دوره گذار از معنای قدیم «رعایا»، سرانجام فرمان تأسیس مجلس شورای ملی که مصداق و نماد اصلی نظام مشروطه بود، صادر شد.

بنابراین، مسئله این است که چگونه با وجود تفاسیر سنتی از مفهوم رعیت و عدم تمایل سلطنت‌طلبان به واگذاری بخش مهمی از اختیارات، گذار از رعایای فرمان‌بردار به ملت قانون‌گذار ایران، ذیل نظام مشروطه سلطنتی امکان‌پذیر شد؟ همچنین، متأثر از چه تحولاتی مفهوم ملت قانون‌گذار، ملاک مشروعیت سیاست و حکمرانی در فضای پُرتنش دوره مشروطه قرار گرفت و در مجلس اول در چارچوب «نص بنیان‌گذار و مؤسس» تثبیت شد؟

درباره انقلاب مشروطیت ایران پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که در اینجا، امکان پرداختن به آن‌ها فراهم نیست. اما آنچه مهم است این است که رویکرد تاریخی مفهومی به ملت قانون‌گذار در مجلس شورای ملی اول چندان مورد توجه پژوهشگران پیشین نبوده است. در رویکرد تاریخ مفهومی پژوهشگر می‌کوشد، به صورت لایه‌به‌لایه، تغییرات و کشمکش معنایی درباره مفاهیم بحث‌انگیز را تا رسیدن به عمومیت‌یافتگی نشان دهد تا عمق معناها را کشف نماید و نحوه تثبیت و بحران‌های آن را نشان دهد. اکنون به برخی از پژوهش‌هایی که اشتراکاتی با پژوهش حاضر را دارند به اختصار اشاره می‌شود.

محدثه جزایی در کتاب *فرصت از دست‌رفته پارلمان در ایران*، با رهیافت تاریخ مفهومی به تاریخ پارلمان در ایران پرداخته و فرایند عمومیت‌یافتگی و تعیین‌یافتگی پارلمان را نشان داده است. ایشان بر مفهوم پارلمان تمرکز دارند (جزائی، ۱۴۰۰). حسین آبدیان در کتاب *مفاهیم قدیم و اندیشه جدید*، کوشیده است طرح و چشم‌اندازی از دوره گذار و شکل‌گیری مفاهیم جدید حکمرانی را به دست بدهد (۱۳۹۴). جواد طباطبایی در دو اثر: *تأملی درباره ایران: جلد دوم: نظریه حکومت قانون در ایران: بخش نخست: مکتب تبریز و مبانی تجددخواهی*، (۱۳۹۵)، *تأملی درباره ایران: جلد سوم: نظریه حکومت قانون در ایران: بخش دوم: مبانی نظریه مشروطه‌خواهی، ملت، دولت و حکومت قانون* (۱۳۹۵)، به تفصیل درباره مبانی اندیشه سنت و تجدد و روند تطور آن در دوره قاجار سخن گفته و مبانی نظری و چارچوب تاریخی پیدایش جنبش مشروطیت را تبیین کرده است. ایشان در چارچوب یک

کلان‌روایت تاریخی از رابطه دولت-کشور در ایران به‌عنوان یک کل واحد سخن گفته و کوشیده‌است تداوم تاریخی دولت-ملت را در ایران معنی کند و ریشه‌های آن را نشان دهد. فاطمه رضایی و مسعود مرادی در مقاله «تحول‌سنجی مفهوم ملت در دوره قاجار» (۱۳۹۵)، کوشیده‌اند برداشت‌ها و ذهنیت‌های موجود از مفهوم ملت و اسامی تاریخی آن را در دوره قاجاریه روشن سازند. محمد سلماسی‌زاده و محمد امین‌نژاد در مقاله: «مجلس اول شورای ملی و تلاش برای تبیین حقوق اساسی» کوشیده‌اند در پاسخ به این پرسش که نمایندگان چه میزان در تبیین حقوق اساسی توفیق داشته‌اند درکی از حقوق اساسی در روند تدوین قانون اساسی و متمم آن به دست دهند. سلماسی‌زاده و امین‌نژاد در مقاله مذکور همچنین سعی کرده‌اند درکی از حقوق اساسی در روند تدوین قانون اساسی و متمم آن ارائه کنند. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیش‌گفته این است که اولاً بر روش تاریخ مفهومی مبتنی است و ثانیاً می‌کوشد تحول مفهوم بنیادی ملت قانون‌گذار و معنای آن را نشان دهد که چگونه از صورت کهن گسست پیدا کرد و در یک چرخش زمانی در مجلس مؤسس تعین و عمومیت یافت.

۱. نگاهی کوتاه به مفهوم رعیت در ممالک محروسه ایران دوره پیش از مشروطه

در دوره سه پادشاه نخست قاجار، مفهوم رعیت یا رعایای ممالک محروسه، ناظر بر اجتماعی فرمان‌بردار بود که جان و مال و امنیت آنان در دست شاه قرار داشت. چنان‌که در نصایح آقامحمدخان به ولیعهد خود درباره رعیت آمده‌است: «ای فرزند ارجمند، رعیت خام است و بر خطاست؛ چون با رعایا به سر نبرده‌ای، از حالت این گروه عام، تجربتی حاصل نکرده‌ای. رعیت چون آسوده گردد، در فکر عزل رئیس و ضابط خود افتد. چون عموم اهالی مُلک را فراغت روی دهد، به عُمال و حُکام تمکین نکنند و در فکرهای دورودراز افتند، این گروه فرومایه را باید به خود مشغول کردن که کار رعیتی و گرفتاری فارغ نگردد...» (هدایت، ۱۳۸۵: ۷۴۲۱).

در دوره سلطنت فتحعلی‌شاه نیز معنایی که از مقام سلطان در حوزه عرفی ادراک می‌شد همان حاکم بلامنازع است که اطاعت از فرامینش واجب بود و البته وی نیز می‌بایست در

جهت آسودگی زیردستان خود بکوشد. «پادشاه را گفته‌اند در عالم تمثیل مانند شبان است و جمهور خلایق چون رمه گوسفند، آفریدگار پادشاه را بر رعیت گماشته و از او محافظت ایشان را خواسته» (ساوجی، ۱۳۸۰: ۶۵۳).

معنای دیگر از مفهوم سلطان، تعهدات دینی - اخلاقی حاکم در مقابل رعیت و مصالح عامه و صیانت از تُغور ممالک محروسه است که البته با مخاطرات ناشی از تهاجم روس به کیان کشور و ضرورت صیانت از نوامیس و جان رعیت، در دوره سلطنت فتحعلی‌شاه در گفتار علمای دینی رواج یافت. یعنی شروط مذهبی - اخلاقی و اندیشه مسئول بودن حاکم بالامنار که از سوی علمای دینی مطرح شد. یعنی پادشاه با اذن و کسب مشروعیت از سوی علمای دینی واجد حکمرانی است. «اذن دادیم از طرف اهل اجتهاد، به سلطان ممالک محروسه فتحعلی‌شاه، در برابر تجاوز روس، به مقابله پردازد با لشکریانش و اهل کفر که بر ما تاختند و آن‌ها را از سرزمین ایران و بیضه اسلام بیرون نماید» (نجفی (کاشف‌الغطاء)، بی‌تا: ۳۳۳). درباره مفهوم عدالت و پابندی به آن در میان رعایا از منظر دینی آمده‌است: «معیار عدالت دین اسلام است و عدم پابندی به آن موجب رواج فسق و فساد میان رعایا است» (نجفی (صاحب‌الجواهر)، ۱۴۰۴: ۲۹۰). درباره ترس رعیت از سلطان نوشته‌اند: «خوف سلطان نتیجه عمل بد مردمان است» (نراقی، ۱۳۳۲: ۳۸۳). «اگر عدالت سلطان نباشد، احدی متمکن از اجرای احکام نخواهد بود» (نراقی، ۱۳۳۲: ۸۷). در این دوره، مفهوم رعیت هم در نگاه عرف حکمرانی و هم گفتار دینی، گروهی فرمان‌بردار هستند که حق و اختیارات آنان تابع سنت‌ها و نیز اراده حکمران است.

پس از دو دوره جنگ روس-ایران و قتل گریبایدوف در حل مسائل حقوقی ارضی و ضعف حکومت در تامین مصالح عامه و صیانت از تُغور ممالک محروسه ایران، شاهد تغییراتی در معنای رعیت فرمان‌بردار هستیم که علمای دینی با حمایت رعیت به‌طور مستقل در برابر زورگویی و مداخلات سفیر روس ایستادگی نمودند. این یک نقطه عطف در روند تغییر مفهومی محسوب می‌شود. «الکساندر گریبایدوف بدون اجازه و اطلاع دولت ایران نیروهای خود مرکب از ارامنه و روسی به خانه‌های مسلمانان می‌فرستاد و خودش داخل خانه می‌شدند و تفتیش می‌کردند و می‌گفتند: باید نمایندگان ما تمام زن‌های خانه را ببینند و اگر

زن گرجی دیدند ببرند و زن‌های زیادی از اهل اسلام را با خود به این بهانه‌ها بردند و در خانه ایلچی شب نگه داشتند. یکی از مجتهدان دینی حاجی میرزا مسیح به این رفتارها معترض شد و از دولت به خاطر مانع نشدن انتقاد نمود. حاجی میرزا مسیح برحسب تکلیف مسلمانی نماینده خود را نزد گریبایدوف فرستاد و خواهان آزادی زنان مسلمان شد و ایلچی با بی‌احترامی و درشتی با نماینده سخن گفت. و با دستور مجتهد کسبه و بازار و عموم مردم به مسجد فرا خوانده شدند و غوغای عظیمی بر پا شد» (جهانگیر میرزا، ۱۳۲۷: ۱۲۱-۱۲۲).

در دوره سلطنت محمدشاه که او خود را حاکم بلامنازع ممالک محروسه و رعیت می‌دانست، تغییر چندانی در مفهوم رعیت پدید نیامد. چنان‌که او در منشور لشکرکشی به هرات از عبارات «مردم متکبر، اصناف مردم و مردم نوکر» استفاده کرد (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۵۳: ۳۲۹-۳۳۴). اما تغییرات مهمی در دوره سلطنت ناصرالدین شاه صورت گرفت که با شتاب بیشتر و از راه‌های گوناگون به اخذ مظاهر تجدد پرداخت. مصلحان اجتماعی و علمای دینی به‌عنوان رهبران معنوی رعیت در دفاع از مصالح عامه و در راه کاستن از نفوذ خارجی روس - انگلیس پیشگام شدند تا مانع از تحمیل امتیازات اقتصادی و سیاسی بیگانه شوند. اوج حرکت آن‌ها که با مشارکت رعایا رقم خورد جنبش تحریم تنباکو است که از آن به‌عنوان طلوع مشروطیت یاد می‌شود.

میرزای شیرازی از مجتهدین دوره ناصرالدین شاه در مکتوبی به او درباره ملغی شدن قرارداد رژی نوشت: «با کمال استقلال و نهایت مطاوعت رعیت، همین که محقق شد که این اختصاص، منافی ملت و بر عموم رعیت است؛ محض اعلاء کلمه ملت و رفاه عموم رعیت، رفع همه مفسد مترقبه را فرموده‌اند» (کرمانی، ۱۳۹۷: ۲۷). مصلحان اجتماعی و افراد دارای آگاهی، نیز بر حق عامه و رعیت و قانون‌گرایی تأکید داشتند: «قانون هر حکمی است که از حکومت صادر می‌شود و مبنی بر صلاح عامه طایفه باشد و اطاعت از آن بالمساوی بر افراد طایفه لازم بیاید» (ناظم‌الدوله، ۱۳۲۷: ۱۵). بنابراین، از دوره ناصرالدین شاه به بعد با تغییراتی که در بافت سیاسی - اجتماعی پدید آمد، شرایط امکان‌گسست و تغییرات معنایی در مفهوم رعیت فراهم گردید.

۲. پیدایش و ظهور مفهوم ملت قانون‌گذار ایران ذیل فرمان تأسیس مجلس شورای ملی

چنان‌که گفتیم از دوره ناصرالدین شاه تغییرات مفهومی شتاب تندی یافت. سفرهای دیپلماتیک سیاسی به خارج، اعزام مُحصلان و دانشجویان به اروپا، نشر جراید و آثار گوناگون و مدارس جدید زمینه حرکت و گسست از سنت را فراهم نمود. رعیت یا رُعا که با هدایت علمای دینی و مُصلحان اجتماعی در حرکت‌های اعتراضی مشارکت داشتند، تغییرات مفهومی رعیت و شرایط امکان توجه به حق عامه را رقم زدند. ابتدا مسافران ایرانی که فرنگ رفته بودند مفاهمی جدید درباره قانون‌گذاری و مجلس را دوره ناصرالدین شاه وارد کردند. مفاهیمی مانند، «مشورت‌خانه» (سیاح، ۱۳۶۳: ۲۰۸)، «عدالت‌خانه و دارالشوری» (سیاح، ۱۳۶۳: ۹۴-۲۰۰).

پیشینه تجربه تاریخی مجلس و وضع قانون در ایران نیز به دوره ناصرالدین شاه برمی‌گردد. چنان‌که در سال ۱۲۷۵ق. یک شورای دولتی که تلاشی برای تغییر کانون قدرت از سلطان به وزرا بود، محقق شد و «دلیل عزل آقاخان نوری را شاه تصاحب نمودن جمیع امورات دولتی بیان می‌کند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۲۴۱). این شورا متشکل از شش وزیر بود (آدمیت، ۱۳۸۵: ۵۷). هدف شورای دولت پنج وظیفه بود از جمله، «توفیر وجوه خزاین و رفاه رعیت» (روزنامه وقایع/تفاهیه، ۱۳۷۴: ۳۹۷، ۲۶۷۷).

سپس در ربیع‌الثانی سال ۱۲۷۶ق. مجلسی به نام «مصلحت‌خانه» تأسیس شد. ناصرالدین شاه گفت: «صلاح دولت و ازدیاد آبادی مملکت را عامل تأسیس این مجلس می‌داند... اذن کردیم چاکران حضرت و عقلای مملکت و صاحبان افکار صائبه، آنچه برای منافع مملکت و صلاح امور خلق، تدبیر نموده باشد در آن مجلس بیان نمایند» (آدمیت، ۱۳۵۲: ۵۸). هدف مجلس انتشار علوم، اشاعه دلایل عدل و انصاف، رفع عادات مذمومه و... بود. در قانوننامه این مجلس برای نخستین بار رای رعیت و لحاظ کردن آن قید شده‌است (آدمیت، ۱۳۸۵: ۵۹ و روزنامه وقایع/تفاهیه، ۱۳۷۴: ۴۵۲، ۲۹۷۶). ریاست مجلس با عیسی خان اعتمادالدوله بود و شاه قصد داشت در ولایات هم آن را ارائه کند (مستوفی، ۱۳۴۳: ۱۹۱). در سال‌های بعد نهادهایی مانند، «دیوانخانه عدالت، دیوان مظالم، مجلس عمومی،

مجلس وزرای مختار دربار اعظم، دارالشورای و مجلس وزرا، مجالس تنظیمات حسنه، صندوق عدالت در ترقیه حال رعیت و تحدید خودسری حکام تأسیس شد» (اعتمادالسلطنه، بی‌تا: ۱۷۸۶-۱۷۵۰). در این دوره، مجلس وزرای سته، به مجلس وزرای نه‌گانه، سپس دوازده‌گانه و سرانجام پانزده‌گانه و مجلس مصلحت‌خانه به دارالشورای کبری یا خاص همایونی تبدیل شد (اعتمادالسلطنه، بی‌تا: ۱۷۴۹). میرزا حسین خان سپهسالار نیز در سال ۱۲۸۹ ق. تنظیم قانون، تحقیق، جنایات، اجرا، املاک و تجارت را در دوره صدرات خود ایجاد کرد (آدمیت، ۱۳۸۵: ۲۱۸).

برخی رجال سیاسی و نخبگان اجتماعی برای مجالس حکومتی قانون نوشتند. پس از نوشتن اولین قانون توسط ملکم خان، قانون‌نامه‌هایی نیز به‌عنوان قانون دارالشورای کبری و دستورالعمل مجلس وزرا دوره سپهسالار نوشته شد. دومین قانون به نام لایحه تشکیل دربار اعظم توسط میرزا حسین خان نوشته و توسط شاه ابلاغ و تأیید شد. سومین قانون ناشناخته بود و نام نویسنده در دست نیست (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۱۶).

ایرانیان در دوره ناصرالدین شاه از طریق سفرهای سیاسی، یا برای امر تحصیل و... با الگوهای نوین در ممالک همسایه عثمانی و اروپایی آشنا شدند و از طریق سفرنامه‌ها و نشر آثار این مفاهیم جدید را وارد کردند. در یکی از آثار این دوره به مفهوم «عدالت‌خانه در فرنگ» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۷۹). یا «مفهوم پارلمنت انگلیس» اشاره شده‌است (همان: ۲۸۳). مضامین «هراس از زوال سلطنت و ملت، پرلمنت، تقریر عقلا» (اصفهانی، ۱۳۸۰: ۲۳۶). «مشورتخانه» (سیاح، ۱۳۶۳: ۹۰ و ۲۰۸). «عدالت‌خانه» (همان: ۲۰۰)، «دارالشوری» (همان: ۱۴۳-۹۴).

در زمان مظفرالدین شاه و در دوره صدرات امین‌الدوله مجلس اعیان شکل گرفت. با پیشنهاد پادشاه شش وزیر برای امور مملکت و رعیت انتخاب شدند تا امور عامه را دنبال نمایند (امین‌الدوله، ۱۳۷۰: ۱۲). منورالفکران نیز از طریق انجمن‌ها و تشکلهای سیاسی مفاهیم جدید مانند قانون و مجلس و حق عامه و مساوات را مطرح کردند. فراموشخانه توسط ملکم خان دایر شد. مجمع آدمیت، انجمن اسلامی تبریز- که به تبلیغ کالاهای وطنی مشغول بود- نمونه‌ای از این تلاش‌هاست (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۱۴۹ و آدمیت، ۱۳۸۷: ۱۰۰).

به‌طور کلی، در دوره مظفرالدین شاه روند اصلاح نگرى اوج گرفت و علمای دینی و رعایا در جریان مهاجرت صُغری و کُبری درخواست‌هایی از جمله «مجلس شورا» (کرمانی، ۱۳۳۲: ۳۷۳) و «مجلس ملی» (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۵۲). «مجلس مبعوثان ملی» داشتند (کرمانی، ۱۳۳۲: ۷۶). مفاهیمی مانند دارالشورای ملی و عدالتخانه با سایر مضامینی که ذکر گردید به‌عنوان دامنه معنایی آن محسوب می‌شود. این مفاهیم در میدان معنایی با غلبه مفهوم مجلس شورای ملی تعین یافت و این تحول مفهومی بزرگی در دوره معاصر ایران است. زیرا رعیت پادشاه مستقله نامحدود، به ملت دارای حق رای و اراده و صاحب مجلس قانون‌گذار تحول معنایی یافت.

سرانجام پس از یک دوره کشمکش بین دو گفتار تحول‌گرا و سلطنت مستقل برای تأسیس عدالتخانه و دارالشورای ملی، مظفرالدین شاه در فرمان سوم ۱۸ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ق. اصلاحیه آخر یعنی تأسیس دارالشوری ملی را پذیرفت و فرمان مشروطیت را صادر نمود (مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه مجلس، ۱۳۲۵: ۲).

با این‌همه، علمای دینی دوره مشروطه دو قرائت از قانون و عرف داشتند؛ یک قرائت سیاسی متکی بر ادله دینی و دوم قرائت دینی که قانون‌گذاری را امری الهی می‌شمرد. از سویی سلطنت مستقل نیز مسئله‌ای بود که می‌توانست در تثبیت معنایی مفهوم ملت‌داری یا حق قانون‌گذاری و گذر از مفهوم رعیت فرمان‌بردار تنش‌زا باشد. از نظر کنش سیاسی، علمای در دوره مشروطه دو طیف بودند: علمای مشروطه‌خواه و مشروعه مشروطه. گفتار مشروطه‌خواه مطابق مفهوم فقهی «اصل فراغ شرع» توجیه دینی برای تفسیر ملت‌قانون‌گذار و مشروعیت مجلس مؤسس بود. علمای مشروطه‌خواه، توانسته بودند که با تعریف «منطقه فراغ شرع»، گستره قلمرو عرفیات را افزایش دهند و با توجه به تحولات و الزامات زمان، جایی را برای قانون‌گذاری در امور عرفی باز نمایند.

زیرا منطقه فراغ شرع حوزه امور عرفی بود که «به حسب اقتضای اوقات و اختلاف عادات و انقلاب حالات، مختلف می‌شود و تحت میزانی مُعین و ضابطی مخصوص نیست که همیشه به یک نسق باشد، و طریق تعیین آن، در هر زمان، انظار عقلائی مملکت و عقول امناء ملت است که در موازین سیاسیه و شُعب و شُئون آن باخبر و بصیرت‌اند» (غروی

محلاتی، ۱۳۷۷: ۵۴۰). علمای مشروطه‌خواه پایگاه اجتماعی عمیقی در نزد ملت ایران داشتند: «گفتار آنان برای ملت سند محسوب می‌گشت» (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۳۱۳). علمای مشروطه‌خواه با استناد به اصل فراغ شرع راهی برای تولید معنا برای سیاست و قانون‌گذاری باز نمودند و مفاهیم سلطنت نوعیه، مصالح نوعیه، نوعیات مردم، مشترکات نوعیه، حقوق نوعیه، «امور حسیه»، «سلطنت دولت محدود»، را برای تفسیر مجلس شورای ملی و شور و مشورت عقلایی ملت به کار بردند. در طرف مقابل، علمای طرفدار مشروعه مشروطه نظرات متمایزی داشتند و برداشت‌های شرعی از عرف و قانون‌گذاری را پیش روی ملت ایران نهادند. چنان‌که شیخ فضل‌الله نوری دوگانه وکالت - ولایت را در عصر غیبت، با استناد به متون فقهی شیعی مدنظر داشت. به باور او ولایت امر مسلمانان اصالت داشت نه وکالت. او نوشت: «اگر مقصد امور شرعی عام باشد، این امر راجع به ولایت است نه وکالت، و ولایت در زمان غیبت امام زمان (عج) با مجتهدان است نه فلان بقال و بزاز» (نوری، ۱۳۲۷ق: ۲۶۰).

۳. تصویب متمم قانون اساسی مشروطه به مثابه نص بنیان‌گذار و مؤسس

پس از صدور آخرین فرمان مشروطه، با تدبیر متحصنین سفارت انگلیس و علمای مهاجر و نیز با تلاش‌های عضدالملک (رئیس ایل قاجار و معتمد مشروطه‌خواهان) و نصرالله‌خان مشیرالدوله (صدر اعظم وقت) زمینه برای تشکیل شورای عالی دربار فراهم آمد تا مقدمات را برای انتخابات مجلس شورای ملی فراهم کند تا گذار از حکومت سلطنتی خودکامه به سلطنت مشروطه ممکن شود (ملائتی‌توانی، ۱۳۹۲: ۱۲۶). شورای عالی دربار به‌رغم مشکلات و مسائلی که با آن دست‌به‌گریبان بود سرانجام توانست قانون انتخابات را تدوین نماید و نظام سیاسی حاکم ایران را به سمت مشروطه سوق بدهد.

با گشایش مجلس، تیمی از نخبگان مسلط به زبان‌های خارجی و آشنا به نظام‌های دموکراتیک غربی تشکیل شد تا قانون اساسی مشروطه را بنویسند. این گروه پس از تلاش‌های شبانه‌روزی سرانجام در ۴ مهر ۱۲۸۶ متن قانون اساسی را در ۵۱ ماده تدوین کرد و به امضای مظفرالدین شاه رساند. در متن این قانون به حقوق ملت، تفکیک قوا و رابطه حکومت و ملت اشاره‌ای نشده بود. وجود کاستی‌های بزرگ در قانون اساسی نمایندگان را بر

آن داشت تا متمم قانون اساسی را هرچه سریع‌تر تدوین کنند. اما محمدعلی‌شاه زیر بار نمی‌رفت. مجلس شورای ملی اول چند ماه بر همین منوال و در زیر سایه استبداد فعالیت کرد. تلقی شاه و درباریان این بود که یک مجلس دولتی اعطا شده‌است و نظام سیاسی ایران مبتنی بر مشروطیت نیست. تا آنکه با ورود نمایندگان منتخب آذربایجان به مجلس و تلاش‌های آن‌ها و اعتراضات ولایات مختلف، ورق برگشت. شاه مجبور شد طی فرمانی، صریحاً اعلام کند که حکومت ایران از زمان صدور فرمان مظفرالدین‌شاه در عداد دول مشروطه قرار گرفته‌است. او همچنین ناگزیر شد در پاسداری از نظام مشروطه سوگند بخورد و با نوشتن متمم قانون اساسی موافقت کند (ملائی توانی، ۱۳۹۹: ۱۴۶-۱۴۹).

به همت احتشام‌السلطنه، رئیس وقت مجلس اول، کار تصویب متمم نظم و سرعت بیشتری گرفت. اصول متمم در جلسات علنی خوانده و تصحیح می‌شدند (روزنامه مجلس، ۱۳۷۵: ۲). سرانجام با پافشاری مجلس و پشتیبانی‌های عمومی، محمدعلی‌شاه ناچار در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ق. ۸ اکتبر ۱۹۰۷ م. متمم قانون اساسی ایران را در ۱۰۷ اصل امضا کرد (امیر ارجمند، ۱۳۸۳: ۱۰۱).

گفتگوی رئیس مجلس با محمدعلی‌شاه به وضوح بیانگر ناخشنودی او از پذیرش متمم قانون اساسی است. احتشام‌السلطنه می‌نویسد، در پاسخ به اعتراض شاه مبنی بر اینکه چرا اختیارات من محدود شده‌است؟ من باید رعایای خود را سرپرستی کنم؟ گفتم: «همه حقوق و اختیارات سلطنت را در نظام پارلمانی مشخص نموده‌است. مجلس و دولت در همه امور باید رهنمود و نصایح مشفقانه اعلیحضرت را مورد نظر قرار دهند. رئیس مجلس قصد نداشت بگوید که همه آن کارها مگر عزل و نصب وزیران جنبه تشریفاتی دارد..... در قضیه حساس عدم مسئولیت شاه گفت: منظور از عدم مسئولیت پادشاه در نظام مشروطه پارلمانی این است که چون دولت در قبال مجلس مسئول اجرایی قوانین و نظامات موضوعه می‌باشد، داشتن مسئولیت ملازمه با جواب‌گویی و بازخواست دارد، پارلمان که مقام سلطنت را مصون از مؤاخذه می‌کند، پادشاه را میرا ساخته تا مقامات اجرایی «به فرامین شفاهی و حتی کتب سلطنت متمسک و متعذر نشوند، و از این بابت اختلالی در تقسیم و تفکیک قوا» و اختلالی در مسئولیت پیش نیاید» (احتشام‌السلطنه، ۱۳۳۶: ۶۱۲).

در متن متمم قانون اساسی، مفاهیم مهمی چون: «ملت قانون‌گذار»، «وکلائی ملت»، «ملت صاحب رأی»، «دولت خدمت‌گزار»، «مجلس معظم»، «سلطنت محدود»، «انجمن‌های ایالتی و ولایتی ناظر بر حکام محلی»، «تفکیک قوا» و... قابل‌ادراک است. بدین ترتیب، مجلس شورای ملی اول به‌عنوان مجلس مؤسس، با تفویض اختیار از سوی ملت قانون‌گذاری نمود و نص مؤسس شامل: «نص قانون اساسی که شامل نظام‌نامه داخلی در ۵۱ اصل، اصول صدوهفت‌گانه قانون اساسی، فصول پنج‌گانه قانون بلدیة، فصول شش‌گانه قانون مطبوعات، فصول چهارگانه قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام (۴۳۳ ماده) را تدوین کرد (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۸۲۹-۸۶۰). به این ترتیب، مجلس شورای ملی ذیل نظام مشروطه سلطنتی با قانون‌هایی که تصویب کرد و نهادسازی‌هایی که انجام داد، مفهوم ملت قانون‌گذار و حاکمیت قانون را بر عمل مجریان دولتی عمومیت بخشید و لزوم پاسخ‌گو بودن آنان تثبیت کرد. این تحول بزرگی بود که منتخبین ملت ایران رقم زدند.

۴. تفسیر حقوقی ملت قانون‌گذار و سه‌گانه منتخب آن

با تصویب قانون اساسی مشروطه و متمم آن هم حدود اختیارات دولت و سلطنت و ملت تعیین شد، هم مفهوم ملت دارای حق اعمال اراده و حق قانون‌گذاری از طریق منتخبین خود در مجلس شد و هم معیار عملی رفتار و اقدام نظام مشروطه سلطنتی تعیین گردید که اینک به ابعادی از آن اشاره می‌شود:

۴.۱. حقوق ملت در متمم قانون اساسی

«اصول هشتم تا بیست‌وپنجم متمم قانون اساسی درباره حقوق ملت ایران است. در این هجده اصل بر مواردی از جمله: اصل مساوات ملت، امنیت جانی و مالی مردم، حقوق قضایی و برخورد ضابطه‌مند با متخلفین، تناسب محاکم قضایی با نوع ارتکاب جرم، اجرای قانون در امر مجازات، حفظ حریم خانه افراد، ممنوعیت نفی بلد افراد و کوچ اجباری مگر با اذن قانون، تأکید بر مالکیت خصوصی افراد، ممنوعیت ضبط اموال افراد به‌صورت غیرقانونی، تأکید شده‌است.....» (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۷۷۸-۷۷۷). در یکی از جراید دوره مشروطیت

درباره معنای ملت قانون‌گذار و دامنه آن نوشته شده‌است: «ما اهالی ایران همه یک ملت هستیم و همه در یک آب و خاک نشوونما نموده‌ایم. ارمنی و یهودی هم اگرچه مذهب آن‌ها جداست، ولی از ملت ما هستند؛ یعنی آن‌ها هم وطنشان ایران است» (روزنامه مجلس، ۱۳۲۶: ۳). یکی از شاعران دوره مشروطیت در ارتباط با تعلق خاطر خود به ملت ایران گفت: «من کسی هستم که آرزو می‌کنم در خاکستر تون حمام بخوابم، ولی ملت‌م شریف و بزرگوار و مملکت من آباد باشد» (قزوینی، ۱۳۵۷: ۴۳).

مطابق اصول ۸ تا ۲۵ متمم قانون اساسی مشروطه مفهوم ملت قانون‌گذار که نماد عینی آن مجلس شورای ملی بود بیانگر حقوق و تکالیف ملت ایران است. ملتی که نص قانونی از حق و حقوق او پاسداری می‌نمود و منتخبین او در مجلس ناظر بر صحت این روند بودند. با معنای جدید از حقوق ملت در امر سیاست بود که ملت قانون‌گذار در معنای دارای حق رأی و نظر و مرجع مشروعیت تصمیم‌گیری سیاسی از طریق وکلای خود، تحول تاریخی در مفهوم رعیت را رقم زد.

۲.۴. حقوق مجلسین در متمم قانون اساسی

«در فصل اول قانون اساسی قواعد انتخابات، در ماده اول ذکر شده بود: «انتخاب کنندگان ملت در ممالک محروسه ایران از ایالت و ولایت باید طبقات ذیل باشند: شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، ملاکین و فلاحین و اصناف» (مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه، بی تا: ۲۱). در مذاکرات مجلس شورای ملی برای اشاره به مجلس مضمینی مانند: «دارالشورای ملی ایران، عدل مظفری، دولت - ملت، اتحاد دولت و ملت، هواخواهان اصلاح مملکت، عواید ملیه، استقلال مملکت»؛ بارها تکرار شده‌است (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۷۱-۶۵). در عرایض ملت ایران به وکلای مجلس شورای ملی مضمینی از جمله، «وکلاهی مسلمان، رفع ظلم و استبداد، اصلاح امور فاسدی مملکت، تخریب بنیان جور، اشاعه عدل و انصاف اشاره شده‌است» (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۳۴۹). علمای مشروطه خواه در پاسخ به سؤال‌های مردم درباره مشروعیت مجلس شورای ملی می‌گفتند: «مجلس تأسیس آن برای رفع ظلم و اغاثه و اعانت ملهوف و تقویت ملت و دولت و ترقیه حال رعیت است. قطعاً، عقلاً و شرعاً و

عرفاً راجع بلکه ارجح است و مخالف و معاند با او مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است» (کسروی، ۱۳۳۰: ۳۸۲).

اما تحول بنیادی‌تر در متن متمم رخ داد. «اصول بیست‌وشش تا سی و چهارم متمم قانون اساسی، درباره حقوق قوای مملکت و اعضای مجلسین شورای ملی و سنا است. در این نه اصل بر قوای برآمده از مردم، تقسیم قوای مملکت به سه قوه قضایی، اجرایی، قانون‌گذاری تأکید و وظایف و اختیارات هر یک مشخص شده است. در اصول مرتبط با حقوق مجلس شورای ملی بر موارد زیر اشاره شده است: قوای مملکت ناشی از ملت است، طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین می‌کند. قوای مملکت به سه شعبه تقسیم شده است که هر یک ممتاز و منفصل از یکدیگرند. وکلای مجلسین وکیل تمام ملت هستند، عدم عضویت وکلای مجلس در مناصب دولتی، حق تحقیق مجلسین در امور مختلف مملکت و مانند آن بخشی از تحول مفهومی ملت را نشان می‌دهد (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۷۷۸).

۳.۴. حقوق سلطنت و دولت در متمم قانون اساسی

«اصول ۳۵ تا ۵۷ متمم قانون اساسی در باب حقوق سلطنت بود. یکی از اصول مهم در این بخش اصل سی و پنجم است که سلطنت را ودیعه‌ای می‌داند که به موهبت الهی از طرف ملت به پادشاه اعطا گردیده است. یعنی مبانی مشروعیت سیاسی شخص اول مملکت جنبه ماورایی ندارد و وی مقبولیت جایگاه خود را از مردم و ملت ایران کسب می‌کند. این گام بزرگی در جهت شکستن قدسیت شاه بود که خود را ظل‌الله و برگزیده خدا می‌دانست. لذا امر سیاسی شاه در چارچوب نظام مشروطه سلطنتی دارای محدودیت و ضوابط قانونی بود (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۷۷۹).

شاید اصل ۴۴ متمم قانون اساسی، از اصول صدوهفت‌گانه نص قانون اساسی، بارزترین تحول معنایی در تاریخ معاصر ایران باشد. اصلی که سلطان قدسی و دارنده قدرت نامحدود در ساختارهای پیشین تعیین یافته بود را کنار زد و با تنظیم مسائل حقوقی سیاست جدید را در چارچوب نص قانون اساسی معنا نمود. این اصل محدودکننده قدرت مطلقه شاه بود. طبق این اصل شخص پادشاه از مسئولیت مبرا است، وزرای دولت در هرگونه امور مسئول

مجلسین هستند. یعنی در واقع، نخست وزیر و اعضای دولت او متصدی امور اجرایی هستند و واجد اختیار اصلی را هستند و پاسخ‌گوی منتخبین و وکلای ملت‌اند (مذاکرات مجلس اول، ۷۷۹:۱۳۸۴).

۴.۴. حقوق عدلیه در متمم قانون اساسی

به موجب متمم قانون اساسی مرجع اصلی محاکم عدلیه بودند. صرفاً قضاوت در امور شرعی به مجتهدین دینی جامع الشرایط واگذار شده بود. منازعات سیاسی، عرفی در امور عدلیه قابل رسیدگی بود و محاکم قضایی طبق چارچوب قانون صلاحیت داشتند. فرایند رسیدگی به اختلافات در محاکم عدلیه علنی بود؛ در هر کرسی ایالتی محکمه استیناف دایر بود؛ محاکم قضایی خاص نظامیان طبق قانون اساسی دایر می‌شد؛ حکمیت منازعات حدود ادارات مربوط به محکمه تمیز بود و قانون عدلیه در سراسر کشور یکسان بود (مذاکرات مجلس اول، ۷۸۰:۱۳۸۴). برافتادن رسم پیشکشی دادن توسط حاکم برای رسیدن به حکومت ایالات و نیز واریز شدن تفاوت عملی که حکام برای خود اخذ می‌کردند، به خزانه مرکزی از دیگر اقدامات مجلس مؤسس در ولایات بود (روزنامه مجلس، ۱۳۲۴ق: ۳). وزارت عدلیه ناظر رسیدگی به تخلفات بود. انجمن‌های ایالتی و ولایتی و عدلیه در ولایات، دوگانه‌ای بودند که در شکل عینی ذیل نص قانون مجلس مؤسس عمل می‌نمودند. دستورالعمل اجرایی عدلیه در سطح کشور یکسان بود. آنچه در اینجا از اهمیت خاص برخوردار بود، مفهوم عدالت و رفع تبعیض در گفتار مشروطه‌طلبان و قوانین مجلس مؤسس بسیار پرمعنا بود و نهاد عدلیه، متولی محقق شدن عدالت فراگیر قاطبه ملت ایران محسوب می‌شد.

۵. تکاپوهای عملی مجلس ملی اول و مطبوعات آزادی‌خواه در صیانت از حقوق ملت ایران

در گفتار وکلای مجلس اول و در تصمیمات عملی آنان یعنی وضع قوانین و نظارت بر آن تحولی در حق حاکمیت ملت دیده می‌شود. مضامین ملت، عدالت، استقلال، رفاه در گفتار وکلا و هم مطبوعات مشروطه‌خواه فراوان دیده می‌شود. این نوعی تحول معنایی بود

که رعیت فرمان‌بردار را به افراد دارای حق تساوی با دیگران مطابق اصل هشتم متمم قانون اساسی مشروطه معرفی می‌کرد. یا در اصل ۲۶ قوای حکومتی مملکت را ناشی از ملت دانست. یا در اصل ۳۵ سلطنت را از طرف ملت به پادشاه مفوض می‌داشت. این تغییرات مفهومی یعنی رعیت فرمان‌بردار به ملت مبدا مشروعیت اصلی حکمرانی تبدیل شده‌است که پژوهش حاضر کوشید عمومیت یافتگی آن را بیان نماید. در سیاست‌گذاری داخلی - خارجی در گفتار و کلام، منافع ملت ایران خصوصاً در قضایایی مانند تأسیس بانک ملی، اخذ وام خارجی، قراردادهای خارجی معیار و غیره آشکارا دیده می‌شود که اکنون مجال شرح آن فراهم نیست. اما اینک به نمونه‌های دیگری از این رویکردها اشاره می‌شود:

یکی از وکلای مجلس شورای ملی، خطاب به وکلای اصناف و طبقات محروم که ۳۲ کرسی مجلس را در اختیار داشتند، گفت: «شما صدا به صدای من بدهید و متفق شده و مطالبه کنید. شما که جمیع متنفذین و متشخصین ریزه خوار محصول دست شما هستند، شما که اینها خون‌ها را خورده بالا دست شما می‌نشینند و به چشم حقارت به شما می‌نگرند و از صرف مال شما تحصیل علم کرده افاده علمی و حقوقدانی به شما می‌فروشند» (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۹۲). دربارهٔ تظلم خواهی از حکام محلی در یکی از جراید از زبان ملت نوشته شد: «به اطمینان و اعتبار اینکه نسیم عدل و انصاف و دادرسی به مملکت ایران وزیده و دست تعدی و رشوه‌گیری حکام از سر ما بیچاره‌ها کوتاه شده و آفتاب عدلت و مساوات تاخته حضور مبارک وزیر عدلیه اعظم دامت شوکه متظلم شده‌ایم» (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۵: ۳).

در جلسهٔ ۲۸۵ مورخ پنج‌شنبه ۱۸ جمادی الاولی ۱۳۲۶ ق. وکلای مجلس در رابطه با کوتاهی اداره مرکزی تلگرافخانه مرکزی و ممانعت از ارسال تلگرافها به نقاط مختلف ایران بحث نمودند. تقی‌زاده در این باره گفت: «این امر در بین ملت و انجمن‌های ایالتی ایجاد تشویش نموده‌است. پول از ملت می‌گیرند و تلگرافها ارسال نمی‌شود... رئیس مجلس نیز در این رابطه گفت: قانون اساسی در دوایر دولتی نقض می‌شود...» (مشروح مذاکرات مجلس دورهٔ اول، ۱۳۹۶). یا اینکه مؤسس در تلگراف و مکتوبات وکلای مجلس به حاکم کرمان در سال ۱۳۳۲ قمری دربارهٔ دستگیری قاتل حسام‌الدوله دستوراتی صادر شده‌است

همگی بیانگر تلاش نمایندگان برای برقراری امنیت اجتماعی در این ولایت و احساس مسئولیت در برابر حقوق ملت است (سند ۰۳۸۴۷ و ۰۳۸۴۸-۰۳۸۴۹، مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران).

در همین باره گفتگوی میرزا حسن رشیدیه دربارهٔ تعدی یکی از وکلای مجلس بسیار شنیدنی است. رشیدیه گفت: «ما و تو مشروطیت می‌خواستیم یا مستبد بودن و جباریت تو را. فرد خاطی پاسخ می‌دهد: مگر مشروطیت پلو است که جلوی ملت بگذارند. دوباره در پاسخ فرد خاطی گفته می‌شود، مشروطیت این است که شما به خانه تان تلفن کشیده، اسب دم سرخ ولیعهدی سوار شده... این همه زحمت و خسارت ملت را هدر کرده، خودت را مثل روسای سابق نموده و رفتار آن‌ها را نمایی» (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۳۸).

دربارهٔ اصل تساوی ملت ایران در یکی از جراید این دوره نوشته شده‌است: «ایران یک ملت است که در زبان‌های مختلف متکلم بوده و به اشکال مختلف خدای خود را پرستش می‌نماید. بله ایرانیان بایستی که بدون استثناء مثل یک ملت واحده سهیم‌الضرر و المنفعه باشند» (روزنامه ایران نو، ۱۳۲۷ق). از سوی مجلس اول برای امنیت اجتماعی کرمان اقدامات زیادی صورت گرفت.

یکی از روزنامه با اشاره به انتظارات فزایندهٔ ملت از قانون‌گذاران خود نوشت: «حدود چهار ماه از مشروطه گذشته و چشم ملت به راه که ببینند وکلای آنان برای «ملت» چه کرده‌اند، امنیت نداریم، وای به حال ما، نان که نداریم، آب که نداریم، مواجب که نداریم، ناموس که نداریم، خواب و خیال راحت که نداریم، پس چه کنیم؟ پس چه دارید بگویید» (روزنامه ندای وطن، ۱۳۲۵: ۳-۲). روزنامهٔ مجلس در خصوص سوء استفاده از مقام نمایندگی در جهت منافع فردی و انتقاد از آن نوشت: «در سال ۱۳۲۶ ق. با واگذاری امتیاز چاپ و نشر به یکی از وکلای مجلس اول به نام میرزا محمود خان خوانساری، سید محمد صادق طباطبایی مدیر نشریات نوشت: «قوانین یک مملکت، متعلق به جمیع افراد اهالی آن مملکت است و هر فردی از «ملت» در آن حق دارند و بالاخص دولت و دولتبان را در مادهٔ قوانین یک نوع اختصاصی است که باید همواره آن‌ها را مقام اجرا و فعلیت بیاورند. در این صورت، هیچ قانونی اجازه نمی‌دهد که یک امر به مشترکی که تمام افراد در آن صاحب حق

ثابت‌اند، اختصاصی داد و حق طبع آن را به یک شخص مخصوص ببخشیم، تا اختکار نموده و اسباب گرانی قیمت شود و در میان مردم کمتر یافت بشود. از حیث فایده هم یا باید به دولت اختصاص داد، تا منفعت این گونه کتب را صرف مخارج عمومی و مهام ملکی و ملی نمایند و در واقع به خود ملت رجوع شود. والا، هرگاه دولت مصمم امتیاز و اختصاصی نکرده، باید عمومی نمود که هیچ کس حق طبع و انتشار نداشته باشد» (روزنامه مجلس، ۱۳۲۶ق: ۴).

بررسی گفتار قانون‌گذاران مجلس مؤسس^۱ و نیز متن مطبوعات آن دوره نشان می‌دهد که مفهوم ملت مرتب تکرار می‌شود. در فضای تجربه جدید، علی‌رغم بحران‌های گذار از وضع پیشین و کارشکنی‌های امتناع‌گرایان از مشروطگی، وکلای مجلس مؤسس با درک عقلایی در جهت حل و فصل درخواست‌ها و نیازهای ملت ایران گام برداشتند و کوشیدند معانی جدید را تثبیت نمایند. همپوشانی ملت و مجلس ذیل مضمون قانون‌گرایی، شکل انضمامی و پایایی نسبی آن است.

۶. تقابل با مجلس شورای ملی اول و حاکمیت قانون

دو کابینه اولی که بی‌درنگ پس از مشروطه تشکیل شدند، نه ترکیب مسنجمی داشتند، نه به آداب مشروطگی کار می‌کردند و نه خود را مقید به مسئولیت پارلمانی می‌شناختند. مجلس از مشیرالدوله رئیس دولت درباره ماهیت نظام سیاسی ایران سؤال کرد که «حکومت ایران مشروطه است یا نه؟ گفت: خیر، ما دولت مشروطه نیستیم و دولت به شما مشروطه نداده‌است. مجلسی که دارید جهت وضع قانون است» (کسروی، ۱۳۳۰: ۲۱۷). محمدعلی شاه با مطرح کردن مفهوم مشروطه به دنبال ایجاد شکاف و تفرقه در مجلس مؤسس بود. به نوشته تقی‌زاده «برای همین لفظ مشروطیت مبارزه شدیدی به وقوع آمد. مشیرالدوله گفت: شاه مشروطه نداده و مجلس مرحمت کرده‌است، و در واقع، می‌خواستند مجلس را همان عدالتخانه قرار دهند... شاه اصرار بر مشروطه داشت. برخی وکلا این نظر را پذیرفتند و کم

۱. جهت کسب آگاهی بیشتر به مذاکرات مجلس اول، (۱۳۸۴) و مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول (۱۳۹۶) مجلس شورای اسلامی رجوع شود.

مانده بود حرف دولتیان پیش برود... وکیل صنف بقال مشهدی باقر، معترض شد و گفت: آقایان! ما یقه چرکین‌های عوام، جان‌کنده و مشروطه‌گرفته‌ایم. حالا شما می‌خواهید فدا کنید؟ این نعره آقایان را عقب راند و لفظ مشروطه را نجات داد» (تقی‌زاده، ۱۳۷۹: ۷۲). چنان‌که گفتیم تنها پس از ورود نمایندگان آذربایجان به تهران و پافشاری آن‌ها بر مشروطه بودن حکومت ایران و بحران بزرگی در پی آن بروز یافت، ناچار محمدعلی شاه نظام مشروطه را به رسمیت شناخت و در پاسداری از آن سوگند یاد کرد.

بنابراین، نخستین کابینه دوره مشروطه، به دنبال امضای متمم قانون اساسی، ضمن نامه میرزا نصرالله خان مشیرالدوله در ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۲۴ ق. به مجلس معرفی گردید. او آخرین صدراعظم دولت مطلقه بود، قانون اساسی در زمان او وضع گردید (آدمیت، ۱۳۸۷: ۳۷). با این همه، دولت مشیرالدوله به اعلام مسئولیت نسبت به مجلس تن در نمی‌داد؛ به گونه‌ای که حتی صدراعظم و وزیران از آمدن به مجلس شانه خالی می‌کردند. گویی هنوز مجلس را جدی نگرفته بودند و نظام پارلمانی و مسئولیت سیاسی را امری گذرا و ناپایدار می‌شمردند. مجلس نیز به دنبال پاسخ‌گو کردن او برآمد. این خواسته تا جلسه ۵۲ بیش از ۱۳ بار تکرار شد و پس از اینکه وزیران به ناچار به آن تن دادند، مجلس در تمام جلسات ایشان را به حضور دائمی خود با معاونشان ملزم می‌کرد. مجلس درباره اقدامات خودسرانه حکام محلی و تامین امنیت عمومی و بسیاری مسائل دیگر از دولت توضیح می‌خواست (روزنامه مجلس، ۱۳۷۶: ۳).

محمدعلی شاه در لحظه‌های تردید، نظر و نیت خود را روی کاغذ نوشته تا برای او استخاره بشود. چنانچه وقتی تصمیم به تغییر میرزا حسن خان مشیرالدوله از وزارت علوم و میرزا حسین خان موتمن‌الملک از وزارت تجارت و همچنین میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک از وزارت جنگ را داشت؛ به این کار توسل جست (سلیمی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۲۲).

روی کار آمدن کابینه‌های پشت سر هم بیانگر اختلافات میان دولت و مجلس شورای بود. کابینه‌های وزیر افخم، حسینقلی خان و دیگران حدود هشت کابینه در این مدت تغییر پیدا کرد (آدمیت، ۱۳۸۷: ۳۹-۳۸). یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی اول درباره منصب

وزارت بر این باور بود که «اول باید معنی وزیر را دانست. سپس معنی مسئولیت را. وزیر مصدر شغلی بودن و مسئولیت یعنی از عهده آن کار برآمدن» (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۱۶۳). تقی‌زاده از وکلای تندرو مجلس در نطقی در صحن علنی از بی‌اعتنایی و عدم تمکین وزیر امور خارجه از مجلس به شدت شکوه کرد (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۷۶). یکی از وکلای مجلس شورای ملی در نطقی در جلسه روز ۷ ماه ذی‌قعدة الحرام ۱۳۲۴ ق. اتحاد دولت و ملت را لازمه اصلاح مملکت شمرد (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۸۱). بنابراین، هنگامی که در جلسه علنی روز سه‌شنبه ۱۸ صفر ۱۳۲۵ ق. در خصوص عزل شاهزاده ظل‌السلطان و دیگر حکمرانان ستمگر سخن به میان آمد و مجلس دولت را مجبور به عزل آن‌ها کرد، از نگاه وکلای مجلس دستاورد بزرگی به دست آمده بود (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۱۹۳).

در ماه ذی‌قعدة سال ۱۳۲۵ ق. توطئه ناکام علیه مجلس شورای ملی صورت گرفت و عده‌ای مسلح قصد حمله به صحن مجلس را داشتند که با مقاومت مردمی و حمایت از مجلس خنثی شد. وکلای مجلس در این باره از ملت حامی خود قدردانی کرد. زیرا در جلسه علنی مجلس صدای گلوله شنیده نشد و امکانات حفاظتی نیز وجود نداشت. اما ملت مشروطه‌خواه با کمال جد و جهد در حفظ حقوق خود حاضر شد و نگذاشت که حقوق خداداده آنان به این حرکات از بین برود (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۵۳۳). محمدعلی شاه که مجلس شورای ملی را مانع سلطنت مستقل می‌دانست با سایر مخالفین همدل به‌ویژه دولت روسیه و مشروعه‌خواهان درصدد نابودی مجلس برآمد. به تعبیر کسروی «محمدعلی شاه به برانداختن مجلس یکدل شده و چنین می‌خواست. هر چه مجلس خواست ندهد، و هر چه مجلس قانون گذاشت و یا دستور داد عمل ننماید» (کسروی، ۱۳۷۱: ۲۰۳). زیرا در دوران حکومت پدر و اجدادش، دولت پاسخ‌گوی درخواست‌های اشراف و اعیان و سلطنت بود و اعتنایی به منافع عامه نداشت و تنها منافع حاکمان، ملاکی برای عملکرد آنان بود. با تشکیل مجلس مؤسس و با استناد به نص قانون اساسی، اراده پادشاه که در چارچوب دولت و قوه مجریه متبلور بود با تکیه بر قانون و اصل پاسخ‌گویی نهادینه شده بود. تنظیم بودجه و نظارت بر دخل و خرج‌ها از سوی وکلای ملت نیز همگی در جهت منافع ملت ایران بود. از

همین‌رو، شاه و قوه اجرائیه به مثابه نهاد قانون‌گریز در تقابل با مجلس مؤسس قرار گرفتند و با بمباردمان مجلس کوشیدند به حیات آن خاتمه دهند. زیرا آن‌ها هنوز رعیت را فرمان‌بردار فرامین خود می‌خواستند و منکر زایش مفهوم ملت صاحب رای و قانون‌گذار و در چارچوب مشروطه سطلنتی محدود و تابع قانون بودند.

نتیجه

مفهوم رعیت که در دوره پیش از مشروطیت «اجتماع فرمان‌برداران پادشاه» معنی می‌شد، در پی تلاقی سنت و تجدد، انجام اصلاحات و کوشش‌های علمای نواندیش و منورالفکران رو به تغییر نهاد. در دوره ناصرالدین شاه، در کشمکش میان هواداران اصلاحات و سنت‌گرایان در پیوند با مفاهیمی چون دارالشورای ملی و عدالتخانه معناهای تازه‌ای یافت. این مفاهیم در دوره مظفرالدین شاه در میدان مفهومی مجلس شورای ملی عمومیت یافت. پس از برپایی مجلس و تدوین و مصوب شدن متمم قانون اساسی، مفهوم رعیت پیشین با معنای حقوقی جدید به‌عنوان ملت قانون‌گذار و واجد رای و اراده تبلور و تحول معنایی یافت و علی‌رغم تنش‌های طبیعی دوره گذار عمومیت یافت؛ اگرچه برای پایایی با بحران‌ها و چالش‌هایی روبرو بود اما مهم این است که اهمیت و عظمت کار مجلس مؤسس را درک کنیم. درست است که انتخابات مجلس صنفی / طبقاتی بود اما مجلس اول به‌رغم خاستگاه طبقاتی‌اش بر مساوات و برابری قاطبه ملت ایران تأکید داشت. واقعیت این است که با توجه به شرایط حساس زمان تصویب نظامنامه انتخابات، امکان غیرطبقاتی بودن انتخابات اصلاً وجود نداشت. در عمل، ترکیب نمایندگان به معنای دقیق کلمه طبقاتی نبود. از طبقات شش‌گانه فقط دو طبقه شاهزادگان و علما از افراد گروه خود انتخاب شدند؛ بسیاری از وکلای چهار گروه دیگر (اعیان، تجار، مالکین، کشاورزان و اصناف) از میان سایر طبقات انتخاب شدند (آدمیت، ۱۳۸۷: ۳۹۵ و مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۷۶۲). اما نکته مهم تعهد وکلای مجلس شورای ملی به کل ملت ایران بود. یعنی خود را نماینده همه ملت ایران می‌دانستند نه صرفاً ایالتی که از آن انتخاب شده بودند (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۵۲۴). با توجه به بافتار سنتی، تمرکز سواد و آگاهی نزد نخبگان اجتماعی؛ تعین‌یافتگی ساختار سلسله‌مراتبی اجتماعی حاکم، صرفاً امکان بروز نوعی دموکراسی «نخبه‌گرایانه هدایت‌گر» یا

مضمونی تحت عنوان «قیم سیاسی، کفیل سیاسی»^۱ در آن دوره حساس گذار وجود داشت. ارزیابی عملکرد وکلای مجلس مؤسس، نشانگر درک عقلایی از وضع موجود و ادراک زمان است. یعنی زمان آگاهی را لمس کرده بودند به همین سبب، منشأ تحولات بنیادی شدند. اقدام آن‌ها چنان اثرگذار بود که یکی از روحانیان آن زمان درباره معنای ملت قانون‌گذار و تبلور اراده آنان در مجلس مؤسس نوشت: «اکنون نزدیک دو سال است که بنا به منویات صاحب شریعت نام «ملت» زنده شده و مجلس مشروطیت تأسیس گردیده‌است. این اسم اعظم ملت، تأثیری فراگیر در قلوب همگان داشته و به تسخیر دل‌ها انجامیده و موجب الفت و دوستی در میان ملت شده و علاقه آنان را به هم افزوده و نورامید در دل‌ها روشن ساخته‌است» (لاری، ۱۳۲۶ق/ ۱۲۸۶ش: ۲۴).

۱. این مفاهیم دوگانه را پژوهش حاضر وضع نموده‌است.

منابع

کتاب‌های

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۷). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران مجلس اول و بحران آزادی*، تهران: روشنگران.
- آدمیت، فریدون و ناطق، هما (۱۳۵۲). *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشرنشده دوره قاجار*، تهران: آگاه.
- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵). *اندیشه ترقی و حکومت قانون*، تهران: خوارزمی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۵۷). *صدرالتواریخ*، به کوشش: محمد مشیری، تهران: روزبهان.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن (بی‌تا). *مرآت‌البدان*، مصحح، عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: اسفار.
- احتشام‌السلطنه، محمود علامیر (۱۳۶۷). *خاطرات احتشام‌السلطنه*، به کوشش، سید محمد مهدی موسوی، تهران: زوار.
- اصفهانی، ابوطالب (۱۳۸۰). *رساله منهاج‌العلی*، در غلامحسین زرگری‌نژاد، رسائل قاجار، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- امین‌الدوله (۱۳۷۰). *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، به کوشش، حافظ فرمانفرمایان، تهران: امیرکبیر.
- اتحادیه، (نظام مافی)، منصوره (۱۳۸۱). *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت (دوره‌های یکم و دوم مجلس شورای ملی)*، تهران: سیامک.
- تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۷۹). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: فردوس.
- جهانگیر میرزا (۱۳۲۷). *تاریخ نو*، به اهتمام: عباس اقبال آشتیانی، تهران: کتابخانه علی اکبر علمی و شرکاء.
- قزوینی، عارف (۱۳۵۷). *دیوان عارف قزوینی*، به اهتمام، عبدالرحمن سیف‌آباد، تهران: امیرکبیر.

- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲). *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: گستره.
- غروی محلاتی، شیخ محمداسماعیل (۱۳۷۷). *النالی المربوطه فی وجوب المشروطه*، رسائل مشروطیت، به کوشش، غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: کویر.
- سیاح، محمدعلی (۱۳۶۳). *خاطرات حاج سیاح*، به کوشش: حمید سیاح، تهران: ابن سینا.
- ساوجی، میرزا موسی (۱۳۸۰). *رساله سیاست مدن*، در غلامحسین زرگری‌نژاد، رسائل قاجار، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- سالور عزالدوله، عبدالصمد میرزا (۱۳۷۴). *عبدالصمد میرزا سالور عزالدوله و دو سفرنامه او به اروپا در سال‌های ۱۲۹۰ و ۱۳۰۰*، تنظیم و تصحیح، مسعود سالور، تهران: پیامک.
- شوشتری، میر عبدالطیف (۱۳۶۳). *تحفه‌العالم و ذیل‌التحفه*، به اهتمام، صمد موحد، تهران: کتابخانه طهوری.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۳۲). *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: ابن سینا.
- کرمانی، مجدالاسلام (۱۳۹۷). *تاریخ انحطاط مجلس*، به کوشش مریم رنجکش چافجیری، تهران: آشیانه.
- کسروی، احمد (۱۳۳۰). *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۷۱). *تاریخ هجده‌ساله آذربایجان*، تهران: امیرکبیر.
- لاری، سید عبدالحسین (۱۳۲۶ ق / ۱۲۸۶ ش). *قانون اتحاد ملت و دولت*، شیراز: محمدی.
- لسان‌الملک سپهر، میرزا محمدتقی (۱۳۵۳). *ناسخ‌التواریخ سلاطین قاجار*، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
- *مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه* (بی‌تا). بی‌جا: مطبعه مجلس.
- *متمم قانون اساسی اسناد حقوقی ۱* (۱۳۹۴). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- *مشروح مذاکرات مجلس دوره اول* (۱۳۹۶). تهران: موزه، مرکز اسناد و کتابخانه ملی مجلس شورای اسلامی.

- مذاکرات مجلس اول (۱۳۸۴). به کوشش، غلامحسین میرزا صالح، تهران: مازیار.
- *مراومه‌ها و نظامنامه‌های احزاب سیاسی ایران در دومین دوره مجلس شورای ملی (۱۳۶۱)*. گردآورنده منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: تاریخ ایران.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳). *شرح زندگانی من*، تهران: زوار.
- *مجموعه قوانین بودجه، مصوبات مربوط از سال ۱۲۸۵ تا ۱۳۴۳ و برخی اسناد مالی پیش از مشروطه (بی تا)*. تهران: وزارت برنامه و بودجه.
- محیط مافی، هاشم (۱۳۶۳). *مقدمات مشروطیت*، به کوشش، مجید تفرشی و جواد جان‌فدا، تهران: فردوسی.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۹). *تکاپو برای آزادی (روایتی دیگر از انقلاب مشروطه ایران)*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- نراقی، مهدی (۱۳۳۲). *معراج السعاده*، به اهتمام: محمد علی علما، تهران: علمی.
- نجفی (کاشف‌الغطاء) (بی تا). *کشف‌الغطاء عن مهمات شریعة‌الغداء*، اصفهان: مهدوی.
- نجفی (صاحب‌الجواهر)، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ناظم‌الدوله، میرزا ملکم خان (۱۳۲۷). *مجموعه آثار*، تدوین و تنظیم محیط طباطبایی، تهران: علمی.
- هالیدی، فرد (۱۳۵۸). *دیکتاتوری و توسعه در ایران*، ترجمه، فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر.
- هدایت (مخبرالسلطنه)، رضاقلی (۱۳۸۵). *تاریخ روضة‌الصفای ناصری*، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.

مقالات

- امیراجمند، سعید (۱۳۸۳). *قانون اساسی در انقلاب مشروطیت (از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا)*، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه: پیمان متین، تهران: امیرکبیر.

- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۲). «مجلس عالی دربار حلقه‌گذار به نظام مشروطه»، *جستارهای تاریخی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، ۴(۱)، ۱۴۱-۱۲۱.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۳۸۲). «قانون حکومت در ایران»، *تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران*، ۴(۱)، ۱۳۷-۱۱۱.
- سلیمی، زهرا و دیگران (۱۴۰۲). واکاوی مظاهر دین‌داری عوامانه (کاربرد استخاره در دوره ناصرالدین شاه قاجار تا محمدعلی شاه)، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۴(۳۶)، ۱۳۵-۱۱۳.

روزنامه‌ها

- *روزنامه مجلس* (۱۳۲۶ق)، بی‌نام، مقاله مهمه، شماره ۵۷، سال دوم.
- *روزنامه مجلس* (۱۳۲۶قمری)، شماره ۷۵، سال دوم، مورخ ۱۴ صفر.
- *روزنامه مجلس* (۱۳۲۴ق)، شماره ۳۷، سال ۱، ۱۸ ذی‌حجه.
- *روزنامه مجلس* (۱۳۷۶)، ج ۱ (شماره ۳۲)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- *روزنامه حبل‌المتین تهران* (۱۳۲۵ق)، سال ۱، شماره ۷۹، جمادی الاول.
- *حبل‌المتین* (۱۳۲۶)، سال ۳، شماره ۲۶۰، مورخ ۲۵ صفر.
- *روزنامه ندای وطن* (۱۳۲۵)، «مقاله مخدرات»، سال اول، شماره ۷۰، شعبان.
- *روزنامه ندای وطن* (۱۳۲۵ق)، مهذب‌السلطنه، «زبان ملی را از دست ندهید»، شماره ۱۱۳، سال اول.
- *روزنامه ایران نو* (۱۳۲۷ق)، بی‌نام، شماره ۲۱، سال اول.
- *روزنامه صبح صادق* (۱۳۲۵ق)، شاهزاده محمد میرزا، شماره ۱۷۷، سال اول.
- *روزنامه وقایع اتفاقیه* (۱۳۷۴)، نمره ۳۹۷، جلد ۴ و همان، جلد ۳، نمره ۴۵۲، تهران: کتابخانه ملی ایران.

اسناد

- مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره بازیابی اسناد ۰۳۸۴۷ و ۰۳۸۴۸، ۰۳۸۴۹.